

حکایتی به یک سر و دو

عبداللطیف رحیمی تبریزی



THOUSAND AND NIGHTS

ABDUL LATIF TASSOJI TABRIZI

- عنوان قراردادی : الف لیله ولیله. فارسی
- عنوان و نام پدیدآور : حکایت‌های هزار و یک شب بر اساس نسخه عبداللطیف طسوجی تبریزی
ویراستار محسن امیدوار اشکلک.
- مشخصات نشر : زنجان: هلال نقره‌ای، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۱۴۲۲ ص.
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۴۷-۵۲-۴
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : ادبیات عربی -- ۱۳۲ - ۳۳۴ ق -- ترجمه شده به فارسی
Arabic literature -- 750-945 -- Translations into Persian
- داستان‌های عربی / Arabic fiction
- داستان‌های عاشقانه عربی / Love stories, Arabic
- شناسه افزوده : طسوجی تبریزی، عبداللطیف، قرن ۱۳ ق. مترجم
- رده بندی کنگره : PJA۳۴۴۸
- رده بندی دیویی : ۸۹۲/۷۳۳۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۲۳۳۴۴
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا



مرکز پخش

۰۹۱۹۵۸۷۳۴۷۶ - ۰۹۱۹۲۵۲۳۶۷۵



KETABASEMANMARKET.IR



BOOKASEMAN

هستی به یک کز و

عبدالله طوسی تبریزی

ناشر: هلال نقره‌ای

طراح جلد و گرافیکست: مرتضی فتح‌اللهی / صفحه‌آرا: میروحید ذنوبی
ویراستار: محسن امیدوار اشکلک / ناظر فنی چاپ: سیدهادی طهوری
لیتوگراف: آراین (صادق) / چاپ: توحید
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تمامی حقوق این اثر برای انتشارات هلال نقره‌ای محفوظ است؛ و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ، برداشت و کپی‌برداری تمام یا قسمتی از این اثر را خواه به صورت چاپ، فتوکپی و جزوه، ندارد. متخلفین به موجب بند (۵) از ماده (۲) قانون حمایت از حقوق ناشران و مؤلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

مقدمه

هزارویک‌شب (الف لیله و لیله) داستانی به نقل از پادشاهی، با عنوان شهریار (پادشاه) و روایتگر آن شهرزاد (دختر وزیر) است. اکثر ماجراهای آن در بغداد و ایران باستان می‌گذرد و داستان‌های آن را از ریشه‌ی ایرانی و برگردانی از «هزارافسان» دانسته‌اند. داستان‌های زیادی زیر نام «هزارویک‌شب» نوشته شده است.

پیشینه

به گفته‌ی علی‌اصغر حکمت این کتاب پیش از دوره هخامنشی در هند به وجود آمده و قبل از حمله اسکندر، به فارسی (احتمالاً فارسی باستان) ترجمه شده و در قرن سوم هجری بعد از حمله اعراب به ایران زمانی که بغداد مرکز علم و ادب بود از پهلوی به عربی برگردانده شده است. متأسفانه اصل پهلوی کتاب را زمانی که به عربی ترجمه شد از بین بردند. دلیل آنکه کتاب پیش از اسکندر به فارسی درآمده را به مروج‌الذهب مسعودی (در گذشته به سال ۲۴۶ ه.ق) و الفهرست ابن ندیم (در گذشته به سال ۳۸۵ ه.ق) مراجعه می‌دهد و سپس با اشاراتی به مشابهت هزارویک‌شب با کتاب استر تورات استدلال می‌کند که هر دو کتاب در یک‌زمان و پیش از حمله اسکندر نوشته شده‌اند و ریشه واحد دارند. نام ایرانی آن هزار افسان است و وقتی به عربی ترجمه شده، نخست الف خرافه و سپس الف لیله خوانده شده و چنان‌که حکمت می‌گوید در زمان خلفای فاطمی مصر به صورت الف لیله و لیله (هزار شب و یک‌شب) درآمده است.

کتاب هزارویک‌شب به سه نسخه تقسیم می‌شود: نسخه هندی که پیش از دوره هخامنشی به زبان سانسکریت نوشته شده، نسخه ایرانی که ترجمه‌ای از نسخه سانسکریت به فارسی باستان است و نسخه عربی که در دوران هارون الرشید از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده. می‌توان گفت در تمام ترجمه‌ها تعدادی داستان جدید به آن اضافه شده است.

رضا طاهری در مقدمه‌ی کتاب قصه‌های ایرانی هزار و یک روز از فرانسوا پتیس دلاکروا ساختار داستانی کتاب هزارویک‌شب را از رسته‌ی کتاب‌های جامع‌الحکایات و ادبیات تودرتو می‌داند و ساختار داستانی این کتاب را این‌گونه بررسی می‌کند: ساختار کمیتی «هزارویک‌شب»: ۱۱ داستان دنباله‌دار، ۴۱ داستان بلند و ۲۰۲ داستان کوتاه است و ده‌ها داستان خطی که جمعاً ۲۴۴ قصه کلاسیک است.

بهرام بیضایی از دیگر کسانی که در این زمینه کار کرده است و در جواب به شرق‌شناسانی که ریشه‌ی هزارویک‌شب را به اعراب و یونانیان نسبت می‌دهند اما از ایرانی بودن آن سخنی به میان نمی‌آورند، چنین می‌گوید:

«هزارویک‌شب اصیلیتی ایرانی دارد؛ چراکه داستان اصلی یا داستان بنیادین آن ایرانی است و آن قصه خود شهرزاد است».

داستان اصلی یا به قول بیضایی داستان بنیادین بدین گونه است که:

«دو شاهزاده برادر، به نام‌های شهریار یا شهر باز و شاه زمان، مورد خیانت زنان خود قرار می‌گیرند شاه زمان ترک پادشاهی کرده و راهی دیار برادر می‌شود و شهریار هم به انتقام خیانت همسرش هر شب دختری را به نکاح درمی‌آورد و بامداد دستور قتلش را می‌داد. تا اینکه دیگر دختری در شهر نمی‌ماند و وزیر شهریار که دو دختر به نام‌های شهرزاد و دنیا زاد داشت و به شدت نگران این قضیه بود به پیشنهاد شهرزاد وی را به عقد پادشاه درمی‌آورد. شهرزاد همان شب به شهریار می‌گوید که خواهری دارد که هر شب با قصه‌های او به خواب می‌رود و درخواست می‌کند که همان شب خواهرش را به قصر بیاورند تا برای بار آخر برایش قصه بگوید. دنیا زاد می‌آید و شهرزاد قصه‌گویی را آغاز می‌کند، شهریار هم که مسحور این قصه شده بود مهلت می‌دهد که فردا شب ادامه قصه را بشنود و بنابراین کشتن شهرزاد را موکول به بعد می‌کند و این قصه‌گویی‌ها هر شب ادامه پیدا می‌کند.»

در سال ۱۲۵۹ هجری قمری، در زمان محمدشاه به دست عبداللطیف طسوجی به فارسی ترجمه شده (این کتاب دارای ارزش تاریخی است، اما در کل یک سوم کتاب اصلی را هم شامل نمی‌شود) و میرزا محمدعلی سروش اصفهانی اشعاری به فارسی برای داستان‌های آن سروده است که تا زمان ناصرالدین شاه ادامه داشته است. داستان‌های این کتاب دارای محتوای بسیار بوده از جمله طنز، تعالیم اخلاقی (تشویق به عدالت و ایثار و جوانمردی)، آداب و سنن ملل مختلف، مشکلات اجتماعی، مسافرت و سیاحت و...

نسخه کنونی فارسی را عبداللطیف طسوجی در زمان محمدشاه و پسرش ناصرالدین شاه به فارسی درآورد و به چاپ سنگی رسید. «هزارویک‌شب» نامی است که از زمان ترجمه طسوجی در دوره قاجار در ایران شهرت یافته و نام قدیم آن هزار افسان بوده است. نخستین ترجمه‌ی هزارویک‌شب به زبان‌های اروپایی در قرن هجدهم میلادی به دست آنتوان گالان به فرانسوی درآمد و در سال ۱۷۰۴ میلادی منتشر شد. سر ریچارد برتون نخستین ترجمه انگلیسی این کتاب را در ۱۸۸۵ عرضه کرد. بورخس همه آثارش را مدیون هزارویک‌شب می‌داندست و تأثیر آن بر بسیاری از نویسندگان معروف جهان از جمله کسانی چون جیمز جویس انکارناپذیر است.

حکمت برای اصل و نسب هندی کتاب دو دلیل می‌آورد. یکی از آن‌ها قصه‌های تودرتو (حکایت در حکایت) است که در ادبیات هند سابقه دارد و ایرانیان نیز به گفته علامه قزوینی با این شیوه آشنایی داشتند. بیضایی با اشاره به اینکه در میان هندیان هیچ نشانی از هزار افسان نمانده است؛ اما نزد ایرانیان (تا سده هفتم هجری) به دفعات به آن اشاره شده است، این کتاب را ایرانی می‌داند نه هندی و شیوه داستان‌های تودرتو را تألیفی ایرانی بر پایه‌ی فرهنگ مشترک ایرانی-هندی می‌داند.

رضا طاهری می‌نویسد: در داستان نخستین هزارویک‌شب، پادشاهی به نام شهریار هر شب با زنی هم‌بستر می‌شد و بعد او را می‌کشت. شهرزاد دختری که از بیزاری پادشاه از زنان آگاه بود با شهریار ازدواج می‌کند و هر شب برای پادشاه قصه‌ای را روایت می‌کند. مجموعه این روایت‌های شبانه و مدام با هدفمندی و نکات محتوایی که شهرزاد روایت می‌کند، بیماری شهریار را با قصه درمانی در بازه‌ی زمانی هزارویک‌شب درمان می‌کند.

شکل‌گیری داستان‌ها

شرق‌شناسان عموماً اتفاق نظر دارند که این مجموعه، التقاطی از متون دارای ریشه‌های بس گوناگون است که در طی چندین قرن، پرداخته شده‌اند و کتاب در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی شکلی ثابت به خود گرفته است. این که تصور کنیم هزارویک‌شب اثر یک نویسنده است، برجایی نالستوار ایستاده‌ایم. در حقیقت با اثری جمعی سروکار داریم که نه تنها به مدت چندین قرن فراهم آمده است، بلکه نمودار گرایش‌هایی بس مختلف نیز هست و کلاً چهار دسته داستان در آن تشخیص می‌توان داد:

(الف) نخست هسته‌ی قصه‌های ایرانی تبار و هم‌ریشه با داستان‌های شاهنامه و هم‌ارز شاهنامه که به دست فاتحان مسلمان با اسلام انطباق یافته‌اند و قدیم‌ترین بخش هزارویک‌شب‌اند. خصیصه‌ی این قصه‌ها، غنای تخیلی و وهمناک و مداخله‌ی دائم جنیان و پریان و وقور مسخ و حلول و سخن‌گویی جانوران است. دوزخ‌کلیک‌ها و اندیشه‌های این مجموعه ایرانی ست؛ نام شخصیت‌های اصلی (شهریار و شهرزاد و نیازاد و شاه زمان) ایرانی ست و تقطیع بندی این اثر نیز ایرانی ست. درواقع کتاب زبان پهلوی نیازمند ابهام‌زدایی زبان «هزار افسان» که بین قرون ۲ تا ۴ هجری به عربی ترجمه شد باید پایه‌ی اصلی این کتاب بوده باشد. هسته‌ی اصلی این کتاب شامل شاه شهریار و حیوانات و پرندگان و اسب آب‌نوس و فریزاد گل‌خنده و علی بابا و چهل دزد و غیره متعلق به همین منبع کهن است.

(ب) دومین دسته‌ی حکایات که بیشتر مغالزه آمیزند تا وهمناک و در بغداد در دوران خلافت هارون الرشید می‌گذرند، قصه‌های عاشقانه با عواقب عدیده‌اند. در این داستان‌ها، مناظر زندگی درباری یا شهری، اندک‌اندک جایگزین صحنه‌های طلسم و جادو می‌گردند. داستان‌های عشقی به معنای ویژه‌ی واژه (قصه‌ی علی بن بکار و شمس‌النهار و نعم و نعمت و غیره) و حکایات کمابیش ظریف مردم‌پسند برگرفته از وقایع اتفاقیه که مداح آن‌ها را در بازارها نقل می‌کرده است.

(پ) برعکس، عنصر شگرف و خارق‌العاده، در دوره‌ای از قصه‌های دریانوردان که مشهورترینشان قصه‌های سندباد بحری، مربوط به بندر بصره، نقش بسته است. اعجاب‌انگیزی این قصه‌ها ناشی از به هم آمیختگی تنگاتنگ راست و دروغ است. این قصه‌ها، حماسه‌ی نخستین دریانوردان مجهز به قطب‌نما و شاخص و میل رصد و شمشه و اسطرلاب به کشف مناطق ناشناخته می‌روند.

(ت) شهری و بورژوازی شدن قصه‌ها در چهارمین دسته که در قاهره پرداخته شده‌اند و به قصه‌های کهن مزید گشته‌اند، برجستگی بیشتر می‌یابد؛ یعنی حکایات مشتمل بر ماجراجویی‌های قهرمانان و قصه‌های هزل‌آمیز و هجوآلود و صحنه‌هایی از زندگی اعیان خوش‌ذوق و ظریف و گوشه‌هایی از معاش

سوداگران و پیشه‌وران، تقریباً به‌طور کامل، جانشین و همناکی قصه‌های کهن می‌شوند. قصه‌های جودر صیاد از جمله قصه‌های این دوره است. البته در این قصه، چنان‌که در قصه‌ی علاءالدین نیز، عناصری مراکشی‌الاصل به چشم می‌خورد. این قصه‌ها مشحون از عناصر اعجاب‌انگیز و خارق‌عادت‌اند؛ اما این عنصر اعجاب‌انگیز از عنصر شگفتی‌زای ایرانی‌تبار، متمایز است و در آن، پاره‌خاطراتی از ادبیات تعلیمی مصر باستان و برگرفته‌هایی از روایات تلمودی، می‌توان یافت.

البته قصه‌هایی هم هستند که در هیچ طبقه‌ای نمی‌گنجند و تنها قصه‌هایی عامیانه‌اند. به این نکته نیز باید اشاره کرد که در واقع، چندین چاپ عربی هزارویک‌شب وجود دارد که در هند و مصر و سوریه و سرانجام در اروپا به طبع رسیده‌اند و روایات مختلف کتاب به شمار می‌روند تا آنجا که بعضی کتب نخستین ترجمه‌شده در اروپا، قصه‌هایی دارند که در نسخ عربی آن موجود نیست!

شخصیت‌ها

شهریار، شهرزاد قصه‌گو

شهریار: به معنای شاه بزرگ عنوان شاه سلسله‌های ایرانی است که در کتاب هزارویک‌شب به همراه شهرزاد قهرمان داستان است.

در ادبیات معاصر

در ادبیات معاصر ملل شرق و غرب تأثیرات هزارویک‌شب را می‌توان پی گرفت. از جمله در ایران نمایشنامه شب هزار و یکم به درون‌مایه داستان بنیادین هزارویک‌شب می‌پردازد.

انتشارات هلال نقره‌ای

زمستان ۱۴۰۰